

## مقایسه تطبیقی ساختار اقتصادی اشتغال در شهرستان های مرزی با غیر مرزی در استان کرمانشاه بر اساس ضریب مکانی (L.Q)

عیسی ابراهیم زاده<sup>۱</sup>، حسین کماسی<sup>۲\*</sup>، احمد جهانی<sup>۳</sup>

۱- دانشیار دانشکده جغرافیا و برنامه ریزی محیطی، دانشگاه سیستان و بلوچستان

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه سیستان و بلوچستان

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه سیستان و بلوچستان

Komasi1366@gmail.com

### چکیده

مسئله اشتغال همواره یکی از مهمترین دغدغه‌های سیاست‌گذاران اقتصادی بوده است. شناخت دقیق ساختار اقتصادی شهرها، نخستین گام جهت توسعه اشتغال و کاهش مسائل و مشکلات ناشی از بیکاری می باشد. هدف از این پژوهش مقایسه تطبیقی ساختار اقتصادی اشتغال در شهرهای مرزی با سایر شهرها در استان کرمانشاه می باشد. روش تحقیق در این مقاله توصیفی-تحلیلی با رویکرد مقایسه ای بوده است. جهت گردآوری داده ها از اطلاعات موجود در سالنامه آماری استان کرمانشاه بهره گیری شده سپس با استفاده از روش تغییر سهم (L.Q)، پایه ای یا غیر پایه ای بودن بخش های سه‌گانه اقتصادی در این شهرها (مرزی با غیر مرزی) و همچنین نقش هر کدام از آنها با یکدیگر مقایسه شده است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که شهرهای مرزی استان کرمانشاه در بخش خدمات، دارای اقتصادی پایه‌ای و صادر کننده کالا و خدمات و در بخش های صنعت و کشاورزی دارای اقتصادی غیرپایه‌ای و واردکننده کالا می باشند که در مقایسه با شهرهای غیر مرزی، در بخش خدمات عملکرد مناسب، در بخش صنعت عملکرد متوسط و در بخش کشاورزی عملکرد ضعیفی داشته اند چرا که از مجموع ۱۴ شهر اصلی استان کرمانشاه؛ ۱۰ شهر در بخش کشاورزی دارای اقتصاد پایه‌ای بوده که سهم شهرهای مرزی ۲۰ درصد؛ در بخش صنعت ۲ شهر دارای اقتصاد پایه ای؛ که سهم شهرهای مرزی ۵۰ درصد و در بخش خدمات ۶ شهر دارای اقتصاد پایه بوده که سهم شهرهای مرزی ۶۷ درصد می باشد.

**واژگان کلیدی:** ساختار اقتصادی، اشتغال، شهرستان های مرزی، ضریب مکانی، کرمانشاه.

### مقدمه

مناطق شهری به مثابه نقاط عطف جوامع انسانی، مرکز تجمع افراد و اشیای مادی اند. می توان از زوایای مختلف به تجمعی از این نوع و فضایی که اشغال می کنند و دوباره به آن شکل می دهند، نگریست (مدنی پور، ۱۳۷۹: ۸۹). آگاهی و اطلاع از ساختمان و طرز کار اقتصاد یک شهر، برای برنامه ریزی ها در هر سطح اعم از شهری، منطقه ای و کشوری و تجزیه و تحلیل استفاده از زمین ضرورت دارد. ساخت یک مرکز شهر با کمیت و قدرت تولید، فعالیت های تولیدی، درآمد و یا به طور کلی تحرک اقتصادی آن مرکز تعیین می گردد. هدف عمده انجام مطالعات اقتصادی آگاهی از ترکیب اقتصادی، ارزیابی حیات اقتصادی و پیش بینی وضعیت آینده اقتصاد محلی است تا از این طریق بتوان زمینه رشد و توسعه منطقه را پیش بینی کرده، تبلور فضایی- کالبدی آن را در شکل مناسب به تجسم درآورد (تودارو، ۱۳۷۸: ۲۴۸). بر این اساس مبنای مطالعات توسعه فراگیر شهری، مطالعات اقتصادی آن است که بر اساس آن اشتغال، جمعیت، درآمد و نهایتاً میزان نیاز به فضا مشخص می گردد. رشد و توسعه آینده مناطق یک کشور از مهمترین مسائلی است که برنامه ریزان و سیاست گذاران دولتی باید به آن

توجه داشته باشند. بدین منظور شناخت استراتژی‌های توسعه مناسب بسیار حائز اهمیت است؛ در نتیجه برنامه‌ریزان محلی باید قدرت و ضعف اقتصاد محلی را بشناسند. برنامه‌ریزان توسعه اقتصاد محلی باید بدانند که گسترش فعالیت‌ها در منطقه چگونه بوده است و منطقه مورد مطالعه در چه بخشی از مزیت یا قدرت رقابتی برخوردار است. مدل‌های تحلیلی ضرائب مکان، تغییر سهم، تکنیک‌های داده-ستانده، ضرائب منطقه‌ای پایه اقتصاد و روش‌های مرتبط دیگر، ابزار اصلی استنباط اقتصادی منطقه‌ای را از لحاظ تأثیر فعالیت‌های مختلف اقتصادی در برگیرنده آن فراهم می‌آورد. به علاوه، این روش‌ها و تکنیک‌های تحلیلی به ارزیابی فعالیت‌های مذکور در ارتباط با یکدیگر و مقایسه فعالیت‌های مشابه در مناطق دیگر کمک می‌کند. بی‌شک موقعیت شهرهای مرزی در ساختار اقتصادی این شهرها بی‌تأثیر نبوده است و حتی در بسیاری از مواقع همین مرزی بودن موقعیت‌های شغلی فراوانی را برای ساکنینش ایجاد نموده است. شهرهای مرزی استان کرمانشاه هم از این قاعده مستثنی نبوده و تحت تأثیر موقعیت مرزی بودن قرار گرفته و به تبع آن ساختار اقتصادی و نقش این شهرها دستخوش تغییرات اساسی گشته است که در این پژوهش ما در پی یافتن پاسخی برای این سؤال می‌باشیم که: ساختار اقتصادی شهرهای مرزی استان کرمانشاه نسبت به سایر شهرهای این استان چه ویژگی‌هایی دارد؟

### پیشینه تحقیق

یکی از مهمترین ارکان پژوهش علمی، بررسی سوابق و مطالعات انجام شده در زمینه موضوع تحقیق می‌باشد. گرچه بطور خاص در خصوص در ساختار اقتصادی اشتغال در شهرهای مرزی با غیرمرزی سابقه پژوهشی زیادی وجود ندارد، لیکن در زمینه اشتغال و بیکاری بطور عام تحقیقات گسترده‌ای انجام گرفته که از مهمترین آنها می‌توان به مطالعات زیر اشاره نمود:

- شایان (۱۳۸۰) در پژوهشی راجع به تحلیل کمی روند رشد و تحولات اشتغال در استان خراسان در دهه‌های ۱۳۵۵-۱۳۶۵ و ۱۳۶۵-۱۳۷۵، با این نتیجه رسید که اگرچه در استان کاهش رشد سالانه اشتغال تحولی منفی است، اما کاهش شدید رشد شاغلان خدماتی (از ۱۰۴/۸ درصد به ۳۰/۱ درصد) و رشد قابل ملاحظه شاغلان بخش صنعت (از ۹/۳ درصد به ۲۳/۸ درصد) تحولی مثبت تلقی می‌گردد و در قلمرو وسیعی از استان می‌توان با تدارک زیرساخت‌های لازم در بخش روستایی-کشاورزی امکان رشد و توسعه توأمان سای بخش‌ها نیز فراهم گردد.
- اکبری و مصری نژاد (۱۳۸۲)، به بررسی وضعیت اشتغال در بخش‌های عمده اقتصادی استان اصفهان در طی دوره (۷۵-۱۳۶۵) با به کارگیری شاخص (LQ) پرداخته‌اند. نتایج حاکی از آن بوده که بخش‌های معدن، ساختمان و خدمات مالی از میان ۱۰ بخش عمده فعالیت استان اصفهان دارای اثر رقابتی مثبت می‌باشد.
- صفوی (۱۳۸۳) در پژوهشی تحت عنوان بررسی قابلیت‌های اشتغالزایی بخش صنعت ایران به این نتیجه رسیده که زیر بخش صنایع پوشاک و چرم و سپس زیر بخش نساجی، بیشترین ضریب اشتغال و بالاترین توان اشتغالزایی را داشته‌اند و فرآورده‌های نفتی کمترین شغل را در جامعه به وجود آورده‌اند و کمترین توان بالقوه اشتغالزایی را دارد.
- فرهودی و محمدی (۱۳۸۵) در پژوهشی تحت عنوان تحلیل و پیش‌بینی وضعیت اشتغال در شهر سنندج با استفاده از مدل تغییر سهم ضریب مکانی و ضریب جینی با روش مطالعه‌ای از نوع پژوهش‌های میدانی و کتابخانه‌ای به این نتیجه رسیده‌اند که اقتصاد شهر سنندج بر پایه رشد بخش خدمات است و بخش‌های مولد و صنعتی در این شهر نقش بسیار ناچیزی را ایفا کرده و کشاورزی به شدت در حال تنزل بوده و سهم مشاغل کاذب رو به افزایش است.
- صیدایی و همکاران (۱۳۹۰)، در تحقیق تحت عنوان بررسی وضعیت اشتغال و بیکاری در ایران طی سالهای ۱۳۸۹-۱۳۳۵ با روش مطالعه از نوع توصیفی-تحلیلی و کمی و با استناد به آمارهای رسمی اشتغال و بیکاری سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۹ مرکز آمار ایران به این نتیجه رسیده که نرخ بیکاری در برخی از استان‌ها کاهش محسوسی را نشان داده، ولی نرخ بیکاری در کشور رقم بالایی را نسبت به کشور های توسعه یافته و بیشتر کشورهای در حال توسعه دارد.

- آیا-آی و پرنیتلا (۲۰۰۷)، در موضوعی با عنوان تجزیه و تحلیل تغییر- سهم روی رشد اشتغال منطقه‌ای (دوازده منطقه) به بررسی رشد اشتغال گروه‌های صنعتی کشور فیلیپین پرداخته‌اند. آنان در نهایت سهم رشد ملی و ترکیب صنعتی در تمام مناطق و اثر رقابتی آن را محاسبه نموده‌اند (1: Aya-ay and Prantilla, 2007).

## مبانی نظری پژوهش

### جهانی شدن اقتصاد، رشد اقتصادی و اشتغال

در مطالعه ای کشورهای جهان به دو دسته باز و بسته تفکیک گردیده و رشد اقتصادی آنها مطالعه شده است (Chiang, 2009: 399). مقایسه رشد متوسط گروه کشورهای بسته با گروه کشورهای باز، آشکار کرد که نرخ رشد کشورهای باز برای مدت ۲۰ سال در فاصله ۱۹۹۰-۱۹۷۰، سالیانه به طور متوسط ۳ درصد فراتر از عملکرد رشد کشورهای بسته بوده است. همچنین مطالعه فوق اشاره و تأکید دارد که نمی توان یک کشور باز و در حال توسعه را پیدا کرد که شکست خورده باشد و به سختی می توان یک کشور در حال توسعه را پیدا کرد که شکست خورده باشد و به سختی می توان یک کشور در حال توسعه بسته را یافت که در طی این دوره موفق عمل کرده باشد. دلیل آن روشن است و تا اندازه زیادی بر می گردد به کارایی ناشی از رقابت تجاری، منافع و مزایای تخصصی شدن و موارد مشابه. از آن مهمتر، کشورهایی که خودشان را از جهان بیرون محروم و منزوی می کنند در واقع از جهان ایده ها و علم و دانش، از جریان تکنولوژی، و از بهبود سازمانی که در بخش های دیگر جهان اتفاق می افتد، محروم می مانند.

### اشتغال و بیکاری

مسئله اشتغال و بیکاری در تمامی مباحث اقتصادی یک بحث کلیدی و استراتژیک بوده (قدیری معصوم، ۱۳۸۴: ۱۵۴) و این موضوع همواره به عنوان یکی از شاخص های اساسی توسعه یا عدم توسعه یافتگی جوامع مطرح بوده است. در زمینه اشتغال و بیکاری نظریه های گوناگونی وجود دارد که از مهمترین آنها می توان به موارد زیر اشاره نمود: طبق نظریه ریکاردو پیدایش ماشین آلات در جریان تولید یک کالا موجب تقلیل نیروی کار می گردد و ماشین و کارگر در یک رقابت دائمی بوده، به طوریکه با ترقی در مقدار سرمایه میزان بیشتری از سرمایه صرف تهیه ماشین آلات می گردد در نتیجه میزان بیکاری روند صعودی پیدا می کند و زمانی ورود ماشین آلات در تولید کاسته می شود که مزدها کاهش یابند که در نتیجه آن بیکاری کاهش می یابد (دهقان، ۱۳۸۰: ۸۱-۸۰). سیسموندی معتقد است که ترقیات فنی الزاماً موجب تنزل قیمت و ترقی تقاضا و اشتغال مجدد کارگران بیکار شده نمی گردد و هیچ وقت تنزل قیمت ها با تعداد کارگران بیکار شده متناسب نیست. طبق قانون بازارهای فروش ژان باتیست سی، پیدایش یک ماشین در جریان تولید موجب بیکاری عده ای کارگر می گردد ولی در همین زمان نیروهایی بکر می افتند که مجدداً کارگران مذکور را به استخدام در ی آورند (سپهر، ۱۳۴۵: ۲۵). به اعتقاد مارکس نهضت جدید صنعتی در تحول مداومی است که مرتباً قسمتی از نیروی کار را به جمعیت زائد طبقه کارگر و یا یک ارتش ذخیره صنعتی تبدیل می کند. مارکس معتقد است بحران بیکاری وقتی پایان می یابد که میزان سود به علت سقوط مزدها، پایین آمدن ارزش سرمایه و استفاده از پیشرفت فنی در تولید ترقی کند در نتیجه به علت سرمایه گذاری های مجدد تقاضای کار بالا می رود ولی دوران رونق جدید نیز با تغییرات بعدی با سقوط میزان سود و تجمع سرمایه، بیکاری ادامه می یابد. از نظر مارکس تغییرات نسبی در سه عامل میزان تراکم سرمایه، سطح نسبی دستمزد و حجم اشتغال موجب گرایش به اشتغال کامل یا تشدید بیکاری می شود (توسلی، ۱۳۷۵: ۱۹۰).

## نظریه اقتصاد پایه ای

توسعه یک منطقه، نه تنها با منابع فیزیکی آن رقم می خورد؛ بلکه همچنین توسط منابع ((نهادی)) آن نیز صورت می پذیرد ( Stroper, Scott, 1995:220). نهادها، مجموعه ضابطه ها و مقررات عملی اقتصادی بر اساس فرهنگ اقتصادی و سنت های صنعتی محلی در هر منطقه هستند (Kratke, 1999: 120). عده ای بر این عقیده اند که سیاست توسعه منطقه ای مؤثر باید دقیقاً با سبک جهانی توسعه قابل تطبیق باشد و پنج عامل منابع، نهادها، روندها، فرهنگ و پیوندهای خارجی را در این چارچوب بر می شمرد (Boisier, 1998: 48).

از لحاظ نظری، اقتصاد منطقه به دو بخش تقسیم می شود. فعالیت پایه ای و فعالیت غیر پایه ای. فعالیت های پایه ای، فعالیت هایی هستند که کالا و خدمات را به خارج از محدوده اقتصاد جامعه صادر می کنند و یا کالاها و خدماتشان را به افرادی عرضه می کنند که از خارج از مرزهای اقتصادی جامعه آمده اند. فعالیت ای غیر پایه آنهاست که نیازهای ساکنین داخل محدوده اقتصادی جامعه را تأمین می کنند. فعالیت های غیر پایه ای یا تبعی هیچ کالا و خدمات تمام شده ای را صادر نمی کنند؛ بلکه هم از نظر تولید و هم از نظر بازار محلی هستند. معمولاً با افزایش فعالیت های پایه در یک منطقه، جریان درآمد منطقه افزایش می یابد. که این افزایش موجب ازدیاد تقاضا برای کالا و خدمات در درون آن شده و نتیجتاً افزایش فعالیت های غیر پایه ای در منطقه را موجب می گردید. برعکس با کاهش فعالیت های پایه ای، درآمد منطقه نیز کم شده و میزان تقاضا برای فعالیت های غیر پایه ای نقصان می یابد. بدین ترتیب فعالیت های پایه ای محرک اصلی در هر تغییری به حساب می آیند و روی اقتصاد منطقه تأثیر افزایشی دارند (زیاری، ۱۳۷۸: ۱۷۵). روش ضریب مکانی برای شناسایی بخش پایه در مناطق مختلف به کار می رود و یکی از معروفترین نظریه های رشد اقتصاد پایه ای است. این نظریه تأکید خاص بر تفکیک فعالیت های پایه ای و بقیه به عنوان فعالیت های غیر پایه ای تلقی می گردد. مدل L.Q یا ضریب مکانی از رابطه زیر به دست می آید:

$$LQ_i = \frac{\sum e_i}{E_i} \div \frac{\sum E_i}{\sum E_i}$$

$$L.Q = \frac{\text{اشتغال بخش } a \text{ در منطقه } j}{\text{کل اشتغال در منطقه}} \div \frac{\text{اشتغال در بخش } a}{\text{کل اشتغال کشور}}$$

اگر  $L.Q = 1$  باشد منطقه خودکفا است. اگر  $L.Q > 1$  باشد، منطقه صادر کننده ی نیروی شاغل خود می باشد و میزان آن فعالیت پایه ای یا اقتصاد پایه ای را بیان می کند و در صورتی که  $L.Q < 1$  باشد، منطقه وارد کننده ی نیروی شاغل است و مقدار این فعالیت ها اقتصاد غیر پایه ای یا تبعی است (حکمت نیا و موسوی، ۱۳۸۵: ۶۸).

## ساختار اقتصادی کشورهای در حال توسعه

با توجه به تنوع ساختی کشورهای در حال توسعه، می توانیم هفت عامل را فهرست کنیم:

### ۱- اندازه و سطح درآمد

اندازه جغرافیایی یک کشور، جمعیت و سطح درآمد ملی سرانه آن به وضوح عوامل تعیین کننده مهمی در اقتصاد بالقوه کشور بوده و عامل مهمی در متمایز کردن یک کشور از دیگر کشورهای جهان سوم به حساب می آید.

### ۲- زمینه تاریخی

اکثر کشورهای آفریقایی و آسیایی روزگاری مستعمره کشورهای اروپای غربی، عمدتاً بریتانیا و فرانسه و همچنین بلژیک، هلند، آلمان، پرتغال و اسپانیا بوده اند. بنابراین، ساخت اقتصادی آنها و نیز نهادهای آموزشی و اجتماعیشان نوعاً از حاکمان قدیمی استعمارگرشان تقلید شده است.

### ۳- منابع مادی و انسانی

امکانات بالقوه یک کشور برای رشد اقتصادی تا حدود زیادی تابع منابع مادی ( زمین، معادن و سایر مواد خام) و منابع انسانی ( تعداد افراد و سطح مهارت های آنان) است. در زمینه منابع انسانی نه تنها تعداد افراد جمعیت و سطح مهارت های آنان، بلکه دورنمای فرهنگی و طرز تفکر آنان در مورد کار و علاقه آنان به پیشرفت و ترقی شخصی نیز اهمیت دارد. به علاوه، سطح مهارت های اداری اغلب قدرت بخش دولتی را در تغییر ساخت تولید و زمان لازم برای تحقق چنین تغییری تعیین می کند. در اینجا با مجموع روابط متقابل بسیار پیچیده بین فرهنگ، سنت، مذهب، اخلاق، چند پارگی یا انسجام قومی سروکار داریم. بنابراین، ماهیت و خصوصیت منابه انسانی یک کشور عوامل تعیین کننده مهم ساخت اقتصادی آن کشور است و به نحو آشکاری از یک منطقه به منطقه دیگر متفاوت است.

### ۴- اهمیت نسبی بخشهای دولتی و خصوصی

اکثر کشورهای جهان سوم نظامهای اقتصادی مختلط دارند؛ مالکیت و بهره برداری منابع هم به صورت دولتی و خصوصی وجود دارد. تقسیم مالکیت و بهره برداری منابع بین این دو بخش و اهمیت نسبی هر یک بیشتر تابع شرایط تاریخی و سیاسی است. به طور کلی، کشورهای آمریکای لاتین بخشهای خصوصی بزرگتری دارند تا کشورهای آسیایی و به ویژه آفریقایی.

### ۵- ساخت صنعتی

اکثر کشورهای در حال توسعه از حیث اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشاورزی هستند. کشاورزی، چه معیشتی و چه تجاری، فعالیت عمده اقتصادی را، اگر نه بر حسب داشتن سهم متناسب در تولید ناخالص ملی، بلکه بر حسب توزیع حرفه ای نیروی کار، تشکیل می دهد. کشاورزی نه تنها یک شغل بلکه یک شیوه زندگی برای اکثر مردم آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین است.

### ۶- وابستگی خارجی: اقتصادی سیاسی و فرهنگی

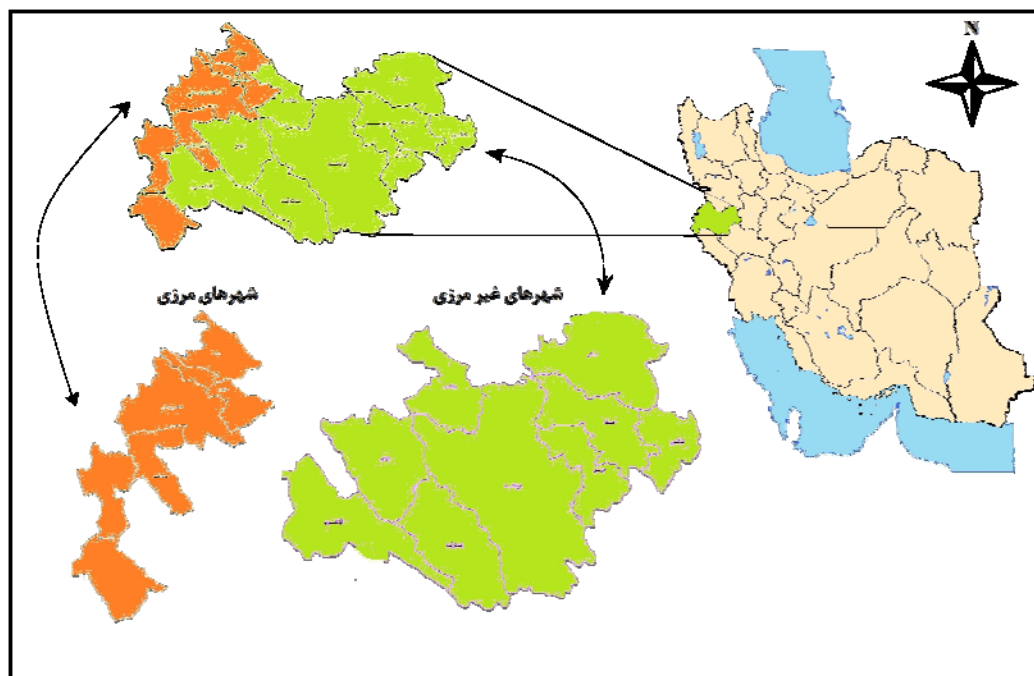
درجه وابستگی هر کشور به قدرتهای بیگانه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی عمدتاً به اندازه، میزان منابع و تاریخ سیاسی آن کشور بستگی دارد. برای اکثر کشورهای جهان سوم این وابستگی بسیار زیاد است. در برخی موارد، این وابستگی تقریباً تمام جنبه های زندگی را در برمی گیرد.

### ۷- ساخت سیاسی، قدرت و گروههای همسود

در تحلیل نهایی، اغلب تنها درستی سیاست های اقتصادی نیست که برخورد یک کشور را نسبت به مسائل حاد توسعه تعیین می کند. ساخت سیاسی و منافع موجود و اتحاد گروههای ممتاز تعیین می کند که چه استراتژی هایی امکان پذیر است و موانع اصلی تحول مؤثر اقتصادی و اجتماعی کجاست (تودارو، ۱۹۴۲: ۴۵-۳۴).

## محدوده مورد مطالعه

استان کرمانشاه با وسعتی حدود ۲۴۴۰۰ کیلومتر مربع در غرب ایران بین ۳۳ درجه و ۳۶ دقیقه تا ۳۵ درجه و ۱۵ دقیقه عرض شمالی و ۴۵ درجه و ۲۴ دقیقه تا ۴۸ درجه و ۳ دقیقه طول شرقی واقع شده است. این استان از شمال به استان کردستان، از شرق به همدان، از جنوب شرق به لرستان، از جنوب به ایلام و از غرب به کشور عراق محدود می‌شود. استان کرمانشاه با دارا بودن ۱۴ شهرستان در مجموع ۱۸۷۹۳۸۵ نفر جمعیت دارد. مرکز این استان شهر کرمانشاه با ۸۰۰۰۹۰ نفر جمعیت می‌باشد (مرادی، ۱۳۸۲: ۲۷). از میان ۱۴ شهرستان استان کرمانشاه ۵ شهرستان (پاوه، جوانرود، ثلاث باباجانی، سرپل ذهاب و قصرشیرین)، جزء شهرستان‌های مرزی و مابقی شهرستان‌ها (۹ شهرستان)، جزء شهرستان‌های غیر مرزی محسوب می‌گردد (شکل شماره ۱).



شکل شماره (۱): موقعیت شهرهای مرزی و غیر مرزی استان کرمانشاه در تقسیمات کشوری

## مواد و روش‌ها

این پژوهش از نظر هدف؛ کاربردی، از نظر روش؛ توصیفی-تحلیلی و از نظر جمع‌آوری اطلاعات یک مطالعه کتابخانه‌ای و اسنادی است. بر این اساس با استفاده از نتایج تفصیلی حاصل از سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵ (شهرهای استان کرمانشاه) و استخراج و محاسبه‌ی مؤلفه‌های اقتصادی جمعیت، اعم از تعداد جمعیت فعال، تعداد شاغلین و درصد اشتغال در بخش‌های گوناگون اقتصادی، داده‌های مورد نیاز گردآوری شده است. سپس با بکارگیری روش علمی ضریب مکانی (L.Q)، نسبت به تعیین بخش‌های اقتصادی پایه یا صادرات و غیرپایه یا خدمات در هر یک از شهرستان‌های استان مبادرت شده است. گفتنی است، در این مقاله گروه‌های عمده فعالیت طبق تفکیک مرکز آمار ایران به سه بخش عمده کشاورزی، صنعت و خدمات تفکیک شده‌اند (سالنامه آماری کرمانشاه، ۱۳۸۵). در نهایت بخش‌های اقتصادی شهرهای مرزی با سایر شهرهای استان کرمانشاه مقایسه شده است.

# همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت؛ چالش‌ها و راهبردها

۳۰ و ۳۱ فروردین ۱۳۹۱ - دانشگاه سیستان و بلوچستان

National Congress on Border Cities and Security; Challenges and Strategies – CBCS 2012

تجزیه و تحلیل روش ضریب مکانی برای ساختار اقتصادی اشتغال در شهرستان های استان کرمانشاه در این مطالعه به منظور تعیین و مقایسه فعالیت های پایه ای و غیر پایه ای شهرهای مرزی با غیر مرزی استان کرمانشاه از ضریب مکانی (L.Q) استفاده شده است.

## الف) ساختار اقتصادی شهرهای مرزی استان کرمانشاه:

در جدول شماره (۱) و شکل شماره (۲)؛ ساختار اقتصادی شهرهای مرزی استان کرمانشاه (پاوه، ثلاث باباجانی، جوانرود، سرپل ذهاب، قصرشیرین)، محاسبه شده است. یافته های حاصل بیانگر آن است که در مجموع از ۵ شهر مرزی ۲ شهر (ثلاث باباجانی و سرپل ذهاب) در بخش کشاورزی، و ۱ شهر (ثلاث باباجانی) در بخش صنعت و ۴ شهر (پاوه، جوانرود، سرپل ذهاب و قصرشیرین) در بخش خدمات دارای اقتصادی پایه و صادر کننده و در سایر بخش ها دارای اقتصادی غیر پایه ای و وارد کننده می باشند.

جدول شماره (۱): ساختار اقتصادی اشتغال در شهرهای مرزی استان کرمانشاه (بر اساس مدل ضریب مکانی L.Q)

ردیف	نام شهر	شاخص بخش	کشاورزی	صنعت	خدمات
۱	پاوه	درصد اشتغال	۸/۹۸	۲۵/۷۲	۶۵/۳
		ضریب مکانی (L.Q)	/۴۴	/۸	۱/۳۵
۲	ثلاث باباجانی	درصد اشتغال	۳۳/۸۱	۳۲/۱۴	۳۴/۰۵
		ضریب مکانی (L.Q)	۱/۸۳	۱/۰۳	/۷
۳	جوانرود	درصد اشتغال	۱۱/۸	۲۲/۹	۶۵/۳
		ضریب مکانی (L.Q)	/۶۱	/۷۴	۱/۳۵
۴	سرپل ذهاب	درصد اشتغال	۲۴/۱۴	۲۱/۵۲	۵۴/۳۴
		ضریب مکانی (L.Q)	۱/۳۳	/۶۷	۱/۱۲
۵	قصرشیرین	درصد اشتغال	۱۶/۳۳	۸/۴۶	۷۵/۲۱
		ضریب مکانی (L.Q)	/۸۸	/۲۵	۱/۵۶

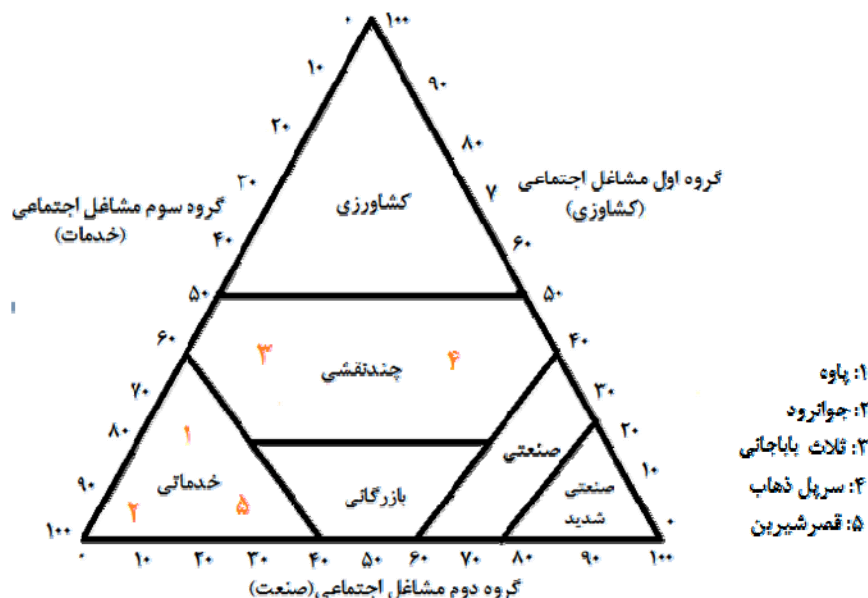
مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۰



# بمایش ملی شهرهای مرزی و امنیت؛ چالش‌ها و برهمنافت‌ها

۳۰ و ۳۱ فروردین ۱۳۹۱ - دانشگاه سیستان و بلوچستان

National Congress on Border Cities and Security; Challenges and Strategies – CBCS 2012



شکل شماره (۲): ساختار اقتصادی اشتغال (نقش شهر) در شهرهای مرزی استان کرمانشاه (بر اساس مدل ضریب مکانی L.Q)

## الف) ساختار اقتصادی شهرهای غیر مرزی استان کرمانشاه:

یافته‌های این بخش که در جدول شماره (۲) و شکل شماره (۳) قابل مشاهده است بیانگر ساختار اقتصادی شهرهای غیر مرزی استان کرمانشاه (اسلام آباد، دالاهو، روانسر، سنقر کلیایی، صحنه، کرمانشاه، کنگاور، گیلانغرب، هرسین) می‌باشد که در مجموع ۸ شهر (اسلام آباد، دالاهو، روانسر، سنقر کلیایی، صحنه، کنگاور، گیلانغرب، هرسین) در بخش کشاورزی؛ ۱ شهر (هرسین) در بخش صنعت و ۲ شهر (کرمانشاه و اسلام آباد) در بخش خدمات دارای اقتصادی پایه و در دیگر بخش‌ها دارای اقتصادی غیر پایه می‌باشند.

جدول شماره (۲): ساختار اقتصادی اشتغال در شهرهای غیر مرزی استان کرمانشاه (بر اساس مدل ضریب مکانی L.Q)

خدمات	صنعت	کشاورزی	شاخص بخش	نام شهر	ردیف
۴۹/۳۹	۲۱/۵۲	۲۹/۱	درصد اشتغال	اسلام آباد	۱
۱/۰۲	۱/۶۷	۱/۶۱	ضریب مکانی (LQ)		
۲۴/۳۵	۱۳/۸۸	۶۱/۷۸	درصد اشتغال	دالاهو	۲
۱/۵	۱/۴۱	۳/۳۸	ضریب مکانی (LQ)		
۳۹/۹۵	۱۹/۸۵	۴۰/۲	درصد اشتغال	روانسر	۳
۱/۸۳	۱/۶۱	۲/۲۲	ضریب مکانی (LQ)		
۳۵/۶۹	۱۸/۷۳	۴۵/۵۷	درصد اشتغال	سنقر کلیایی	۴
۱/۷۲	۱/۵۸	۲/۵	ضریب مکانی (LQ)		



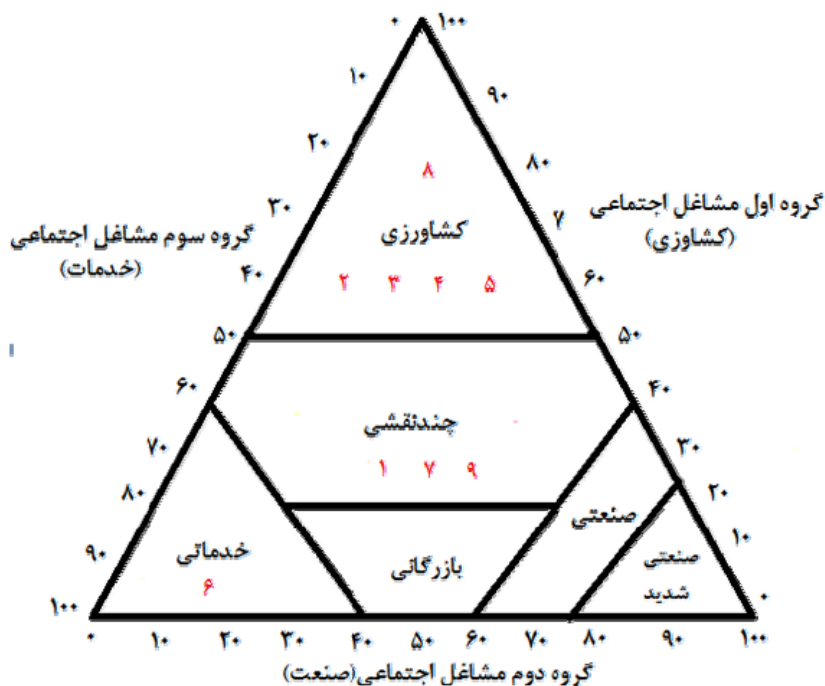
# بمایش ملی شہری و امنیتی؛ چالش اور ہیافت

۳۰ و ۳۱ فروردین ۱۳۹۱ - دانشگاه سیستان و بلوچستان

National Congress on Border Cities and Security; Challenges and Strategies – CBCS 2012

۲۲	۱۴/۳۹	۶۳/۶۱	درصد اشتغال	صحنہ	۵
۱/۴۵	۱/۴۵	۳/۵	ضریب مکانی (LQ)		
۶۱/۳۳	۲۵/۲۳	۱۳/۴۴	درصد اشتغال	کرمانشاہ	۶
۱/۲۷	۱/۸	۱/۷۲	ضریب مکانی (LQ)		
۴۶/۵۱	۲۳/۴۵	۳۰/۰۵	درصد اشتغال	کنگاور	۷
۱/۹۵	۱/۷۴	۱/۶۶	ضریب مکانی (LQ)		
۴۰/۸۲	۱۵/۳	۴۳/۸۹	درصد اشتغال	گیلانغرب	۸
۱/۸۳	۱/۴۸	۲/۳۸	ضریب مکانی (LQ)		
۴۰/۹۸	۳۲/۲۶	۲۶/۷۶	درصد اشتغال	ہرسین	۹
۱/۸۳	۱/۰۳	۱/۴۴	ضریب مکانی (LQ)		

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۰



شکل شماره (۳): ساختار اقتصادی اشتغال (نقش شہر) در شہرہای غیرمرزی استان کرمانشاہ (بر اساس مدل ضریب مکانی (L.Q))

## نتیجہ گیری

از نظر علمای اقتصاد و برنامه ریزان توسعه اقتصادی، مطالعه جمعیت شاغل در بخش های سه گانه کشاورزی، صنعت و خدمات، اهمیت بسیار دارد. با شناسایی سهم هر یک از این بخش ها در ساختمان جمعیت شاغل هر منطقه، می توان به وضع

اقتصاد آن پی برد و برنامه لازم را برای آینده اقتصادی آن منطقه طراحی کرد. در حالت کلی می توان گفت؛ هر اندازه رشد اقتصادی ناحیه ای بهتر و سریعتر باشد، نسبت جمعیت شاغل آن در بخش های صنعت و خدمات بیشتر خواهد شد (آسایش، ۱۳۷۴: ۳۴). مرزی بودن یک شهر هم فرصتی است برای آن شهر و هم تهدیدیست برای آن، نتایج حاصل از این پژوهش بیانگر آن است که شهرهای مرزی استان کرمانشاه تحت تأثیر مرزی بودن قرار گرفته‌اند و ضمن استفاده از این موقعیت و شکل گیری ساختار اقتصادیشان در این زمینه، در دیگر بخش ها علیرغم داشتن پتانسیل های قابل توجه ولی بهره گیری لازم به عمل نیامده است. از مجموع ۱۴ شهر اصلی استان کرمانشاه؛ ۱۰ شهر در بخش کشاورزی دارای اقتصادی پایه‌ای بوده اند که سهم شهرهای مرزی ۲۰ درصد، در بخش صنعت ۲ شهرداری اقتصادی پایه ای می باشند که سهم شهرهای مرزی ۵۰ درصد و در بخش خدمات ۶ شهرداری اقتصادی پایه می باشند که سهم شهرهای مرزی ۶۷ درصد می باشد. این مقایسه بیانگر وضعیت اقتصادی مطلوب شهرهای مرزی در بخش های صنعت و خدمات می باشد اما در بخش کشاورزی علیرغم داشتن پتانسیل های فراوان، مزیت های این بخش نادیده گرفته شده است. با توجه به نتایج حاصله و به منظور توزیع مناسب و متناسب جمعیت شاغل در فعالیت های اقتصادی مولد و خلاق و نیز رفع شکاف موجود بین بخش های اقتصادی که گامی در جهت رفع بحران بیکاری و دست یابی به توسعه ای پایدار است، پیشنهادات زیر ارائه می شوند:

- ۱- بررسی و شناخت توان ها و تنگناهای محیطی در سطح هر یک از شهرستان های استان به منظور تعیین محوریت توسعه‌ی بخش های غیر محور به گونه ای متناسب و در راستای پاسخ گویی به محوریت تعریف شده، برای حصول توسعه ای متوازن و پایدار.
- ۲- تشویق و هدایت سرمایه گذارن بخش خصوصی و تعاونی برای سرمایه گذاری در بخش های غیر پایه ای شهرستان های استان، پس از فراهم سازی زیرساخت های مناسب و رفع موانع موجود در این راه.
- ۳- هدایت اعتبارات و سرمایه گذاری های دولتی در بخش های عقب مانده و غیر پایه. چنان چه راندنیلی نیز تأثیر سرمایه گذاری دولتی را برای توزیع متعادل جمعیت و فعالیت های تولیدی- اقتصادی مهم ارزیابی کرده است و بر توزیع راهبردی سرمایه گذاری ها تأکید دارد (سلطانی، ۱۳۸۰: ۱۷).
- ۴- کاهش تمرکز بخش خدمات از مرکز استان (کرمانشاه) و توزیع و پراکنش مناسب آن در سطح تمامی شهرستان های استان.
- ۵- گسترش صنایع تولیدی- تبدیلی، در کنار مکانیزه کردن بخش کشاورزی، به خصوص در سطح شهرستان های برخوردار از میزان اشتغال پایه و ضریب مکانی بالا در بخش کشاورزی.
- ۶- تلاش مسئولان، مدیران و برنامه ریزان استانی در جهت رشد بخش های غیرپایه در سطح تمامی شهرستان های استان.
- ۷- تعادل در سطح اقتصادی برای تمامی شهرستان های استان.

## ۱. منابع

۲. آسایش، حسین (۱۳۷۴)، اقتصاد روستایی. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
۳. تودارو، مایکل (۱۹۴۵)، توسعه اقتصادی در جهان سوم، (دکتر غلامعلی فرجادی)، مؤسسه عالی پژوهش در برنامه ریزی توسعه.
۴. توسلی، غلامعباس (۱۳۷۵)، جامعه شناسی کار و شغل، تهران: انتشارات سمت.
۵. حکمت نیا، حسن و موسوی، میرنجم (۱۳۸۵)، کاربرد مدل در جغرافیا با تأکید بر برنامه ریزی شهری و ناحیه‌ای، چاپ اول، یزد: انتشارات علم نوین.

۶. دهقان، فتح الله (۱۳۸۰)، نقش اشتغال در کاهش مهاجرت های روستایی (مطالعه موردی دهستان مشایخ شهرستان ممسنی)، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس.
۷. زیاری، کرامت اله (۱۳۷۸)، اصول و روش های برنامه ریزی منطقه ای. یزد: انتشارات دانشگاه یزد.
۸. شایان، حمید (۱۳۸۰)، تحلیل کمی روند رشد و تحولات اشتغال در استان خراسان در دهه ۶۵-۱۳۵۵ و ۶۵-۱۳۷۵، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال شانزدهم، شماره ۶۱.
۹. سالنامه آماری استان کرمانشاه سال ۱۳۸۵.
۱۰. سپهر، جعفر (۱۳۴۵)، بیکاری، تهران: انتشارات امیر کبیر.
۱۱. سلطانی، علی (۱۳۸۰)، شیراز شهر امروز کلان شهر فردا. نشریه ی پوشش. سال چهارم. شماره ی ۱۸. سازمان مدیریت و برنامه ریزی. شیراز.
۱۲. صفوی، بیژن (۱۳۸۳)، بررسی قابلیت‌های اشتغالزایی بخش صنعت ایران، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، شماره ۱۹.
۱۳. صیدایی، اسکندر و دیگران (۱۳۹۰)، بررسی وضعیت اشتغال و بیکاری در ایران طی سالهای ۱۳۳۵-۱۳۸۹، راهبرد یاس، شماره ۲۵.
۱۴. فرهودی، رحمت الله و محمدی، اکبر (۱۳۸۵)، تحلیل و پیش بینی وضعیت اشتغال در شهر سنج با استفاده از مدل تغییر سهم ضریب مکانی و ضریب جینی، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۵۵، سال سی و هشتم، ۲۰۲-۱۸۹.
۱۵. قدیری معصوم، مجتبی و همکاران (۱۳۸۴)، بررسی آماری روند رشد و تحولات اشتغال در نواحی روستایی استان اصفهان، مجله پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۵۴.
۱۶. مدنی پور، علی (۱۳۷۹)، طراحی فضای شهری، نگرشی به فرایندهای اجتماعی و مکانی، ترجمه فرهاد مرتضایی، شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری وابسته به شهرداری تهران.
۱۷. مرادی، فرشاد (۱۳۸۲)، تعیین درجه آسایش و ویژگی های معماری اقلیمی در استان کرمانشاه. پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیا، دانشگاه رازی.
18. Boisier, Sergio (1998). B 'Theories and metaphors on Territorial development' From: Regional development dialogue. Vol. 19, No. 2.
19. Chiang, Shu-hen (2009) Location quotient and trade, The Annals of Regional Science, No. 43, pp. 399–414.
20. Kratke, S (1999). A regulationist approach To regional Studies. From Environment and Planning. A. vol. 31, No.4.
21. M. Aya –ay, Rosendo, B. Prantilla, Edmundo(2007) Shift-Share Analysis on Regional Employment Growth in the Philippines, 10th National Convention on Statistics (NCS) EDSA Shangri-La Hotel, October 1-2.
22. Stroper, Michael, A.J.Scott (1995). The Wealth of regions: Market Forces and policy imperatives in Local and global Context. Futures, 5.

